

بررسی میزان مشارکت روستائیان در جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی

نمونه مورد مطالعه: روستاهای جابه‌جا شده جنوب استان کرمان

سید امیر حسینی گرکانی*، محمدعلی وجدانی**، فاطمه رحیم بخش***، مهسا بشیری****

۱۳۹۲/۰۸/۱۹

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۳/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

در بیشتر برنامه‌های بازسازی پس از سانحه، سیاست جابه‌جایی کل یا بخشی از سکونتگاه به‌عنوان راه حلی مناسب از لحاظ فنی برای کاهش خطر و ایمنی از پدیده‌هایی چون زلزله، سیل، رانش زمین و غیره مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. بررسی تجارب مختلف حاکی از آن است که به علت فقدان قوانین و دستورالعمل‌های مربوط به چگونگی مداخله در سکونتگاه‌های روستایی و از سویی نبود تعریفی فراگیر از مفاهیم درجاسازی و جابه‌جایی در سیاست‌های مداخله‌ای، ابهام در کاربرد این رویکردها و همچنین عدم مشارکت روستائیان در فرایند بازسازی روستای جدید، پیامدهای جابه‌جایی به گونه‌ای بوده که عموماً بازماندگانی که جابه‌جا شده‌اند از جابه‌جایی رضایت نداشته‌اند و جابه‌جایی، اغلب به از دست دادن خوداتکایی روستائیان و حس تعلق به مکان و در مواردی به خالی از سکنه ماندن واحدهای احداثی در روستای جدید منجر شده است. در بررسی ادبیات نظری مفهوم مشارکت، تکیه‌گاه مفهومی هر یک از صاحب‌نظران از این مفهوم تا حدی متفاوت است. این مقاله در یک جمع‌بندی کلی مشارکت را چنین تعریف می‌نماید: مشارکت فرایندی است مبتنی بر خرد جمعی و دانش بومی و فعالیتی است آگاهانه و داوطلبانه که با شرکت افراد ذینفع در همه ابعاد تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی با هدف توانمندسازی آن‌ها همراه با کارایی بالاتر انجام می‌گیرد. این پژوهش به‌منظور تبیین مفهوم ارائه شده از مشارکت روستائیان در فرایند جابه‌جایی و بازسازی سکونتگاه‌های روستایی انجام شده است. از آنجا که حجم جامعه آماری مورد مطالعه روستاهای جابه‌جا شده جنوب استان کرمان ۱۶ روستا با ۵۳۸ واحد احداثی می‌باشد و امکان مطالعه همه آن‌ها به‌دلیل محدودیت پژوهش ممکن نبود، سعی گردید با استفاده از فن‌آوری دقیق آماری، نمونه‌ای از این حجم انتخاب گردد تا بتوان نتایج به‌دست آمده از آن‌را با ضریب اطمینان قابل قبولی به کل جامعه آماری تعمیم داد. برای رسیدن به این منظور براساس روش نمونه‌گیری تصادفی ۴ روستا از ۱۶ روستای جابه‌جا شده در استان کرمان انتخاب شدند و با استفاده از رابطه کوکران تعداد ۱۵۰ واحد احداثی به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد پیمایش قرار گرفته‌اند. یافته‌ها حاکی از وجود رابطه‌ای مستقیم بین مشارکت روستائیان و اسکان ایشان در روستای جدید در سطوح تصمیم‌گیری برای جابه‌جایی، مکان‌یابی، طراحی، ساخت و نظارت بر اجرای روستای جدید است. از طرفی میزان فاصله روستای جدید از روستای قدیم با تعداد واحدهای خالی از سکنه، ارتباطی مستقیم و میزان خدمات ارائه شده در روستای جدید با تعداد واحدهای خالی از سکنه در روستای جدید، ارتباطی معکوس دارند.

* دکترای معماری، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس تهران. Garakani@pardisiu.ac.ir

** کارشناس ارشد معماری، مدیر کل دفتر مطالعات و تحقیقات مسکن روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

*** کارشناس ارشد طراحی شهری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

**** کارشناس ارشد بازسازی پس از سانحه، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران.

مقدمه

بافت‌های روستایی از ارکان مهم فضاهای سکونتگاهی و الگوهای فضایی-کالبدی از زندگی اجتماعی، در بستر طبیعت محسوب می‌شوند. مداخله در سکونتگاه‌های روستایی با عنوان جابه‌جایی^۱ و یا تجمع روستاهای پراکنده و کوچک اغلب به صورت خاص و به عنوان موضوع جانبی و کم اهمیت مورد بررسی قرار گرفته است. نبود اهداف آشکار، رویه‌های یکدست و منابع کافی جهت پرداخت به مسئله جابه‌جایی، تأثیرات ناگواری بر جابه‌جا شونده‌گان و یا بر جمعیت‌های میزبان در محل و نیز بر محیط زیست به جای گذاشته است. سهل‌انگاری در طراحی، بی‌توجهی در مکان‌یابی روستای جدید و همچنین فقدان مشارکت روستائیان در فرایند جابه‌جایی، همواره از مهمترین دلایل شکست پروژه‌های جابه‌جایی محسوب می‌شوند. در متون تخصصی مختلف در مورد مشارکت مردم، تعاریف، فرضیه‌ها و روش‌های مختلفی ارائه شده است. در تمام این روش‌ها به‌ویژه در طرح‌های بازسازی^۲، مردم عمدتاً خود به عنوان افراد ذینفع مطرح می‌باشند. مشارکت مردم در بازسازی پس از سانحه^۳ همواره با اهمیت و سودمند تلقی شده و به عنوان یک استراتژی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و در نتیجه یک درک جدید از توسعه مطرح گردیده است. در بسیاری موارد، با وجود تجربه‌هایی از زلزله‌های منجیل، بم، زرنند کرمان و لرستان در بازسازی سکونتگاه‌های روستایی پس از جابه‌جایی، به علت عدم مشارکت روستائیان در فرایند طراحی و ساخت روستای جدید، شهرکی طراحی شده که توجه به نیازهای شهری بوده و فاقد کارکردهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی روستا و ساکنان آن بوده است. نتیجه این مسئله، بر هم خوردن انسجام روستائیان و در مواردی مهاجرت ایشان و عدم استقبال آنان از

سکونتگاه‌های جدید است. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که بین مشارکت روستائیان و در نظر گرفتن نیازها و نظرات آن‌ها در تصمیم‌گیری برای جابه‌جایی، مکان‌یابی، طراحی، ساخت و نظارت بر اجرای واحدهای مسکونی در روستای جدید و میزان استقبال و اسکان ایشان در روستای جدید چه رابطه‌ای وجود دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر شامل دو بخش است بخش اول براساس پژوهش اسنادی و از نوع توصیفی و مقایسه‌ای است و هدف آن ارائه چارچوب نظری، فرضیات پژوهش و تدوین پرسش‌های پرسشنامه است و بخش دوم ارائه پژوهش پیمایشی در باب موضوع است و در آن از تکنیک پرسشنامه برای آزمودن فرضیات استفاده گردیده و بدینوسیله هم مسئله پژوهش توصیف شده و هم فرضیه‌های پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. از آنجا که حجم جامعه آماری مورد مطالعه روستاهای جابه‌جا شده جنوب استان کرمان ۱۶ روستا با ۵۳۸ واحد احداثی^۴ می‌باشد و امکان مطالعه همه آن‌ها به دلیل محدودیت پژوهش ممکن نبود، سعی گردید با استفاده از فن‌آوری دقیق آماری، نمونه‌ای از این حجم انتخاب گردد تا بتوان نتایج بدست آمده از آن‌را با ضریب اطمینان قابل قبولی به کل جامعه آماری تعمیم داد. برای رسیدن به این منظور از روش نمونه‌گیری تصادفی ۴ روستا از ۱۶ روستای جابه‌جا شده در استان کرمان انتخاب شدند و با استفاده از رابطه کوکران^۵ تعداد ۱۵۰ واحد احداثی به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد پیمایش قرار گرفته‌اند. یکی از مقیاس‌ها که برای سنجش عقیده، احساس، تمایل و یا نگرش افراد یک جامعه کاربرد زیادی دارد، قیاس لیکرت^۶ می‌باشد و سوالات پرسشنامه‌های این پژوهش مبتنی بر این روش طراحی گردیده است. برای تعیین پایایی و همسانی درونی گویه‌های پرسشنامه از روش آلفای

"جابه‌جایی عبارت است از فعالیت‌های لازم برای استقرار در مکان جدید و اتحاد با اجتماعات موجود به طوری که این فرصت را به آنها بدهد، توان فیزیکی خود را بازیابد و به لحاظ اقتصادی در کوتاه‌ترین زمان ممکن به خوداتکایی و پایداری برسند."

در مورد سوانح انسان ساخت همچون جنگ و درگیری‌های داخلی واژه جابه‌جایی در ارتباط با افراد به کار رفته و طبق تعریف کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد^{۱۴} جابه‌جایی عبارت است از "اسکان پناهندگان در مکانی غیر از مناطق اصلی و اولیه‌شان" (UNHCR, 1998: 5).

طبق آمار موجود در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۸۸، تعداد ۵۴۶ روستا جابجا و در روستاهای جدید تعداد ۲۰۹۳۰ واحد مسکونی احداث شده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی: ۱۲). از آنجا که موفقیت برنامه‌های بازسازی و عمرانی، ناشی از سطح بالای مشارکت مردم بوده است با توجه به مدل‌های تجربه شده پیشین، مطالعات میدانی نشان می‌دهد راهبرد حذف مشارکت مردمی و دخالت وسیع دولت در جابه‌جایی سکونتگاه و شکل‌گیری روستای جدید واجد کارایی لازم نبوده و در مواردی با صرف هزینه‌های کلان اجتماعی و اقتصادی موجب عدم استقبال و رضایت روستائیان از سکونتگاه جدید شده است. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین دلایل موفقیت و یا شکست پروژه‌های جابه‌جایی، مشارکت روستائیان در فرایند بازسازی و جابه‌جایی روستا است در ادامه به بررسی مفهوم مشارکت و تعریف سطوح آن در پروژه‌های جابه‌جایی می‌پردازیم.

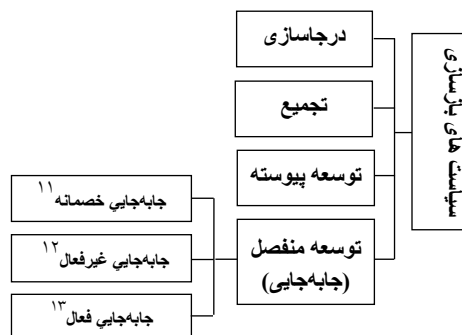
مفهوم مشارکت

واژه «مشارکت» در دهه‌های اخیر برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰ پا به عرصه ظهور گذاشت. رواج این واژه، در پی آن بود که بیشتر شکست‌های طرح‌های

کرونباخ^{۱۵} استفاده شده است. ضریب پایایی کل پرسشنامه ۸۴٪ بدست آمد که در مجموع ضریب پایایی قابل قبولی است. در مطالعه حاضر، داده‌ها و اطلاعات حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است، برای تحلیل داده‌ها از آزمون^{۱۶}، برای بررسی همبستگی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون^{۱۷} و برای رتبه‌بندی متغیرها از آزمون فریدمن^{۱۸} استفاده شده است.

مبانی نظری

در برنامه‌های بازسازی سکونتگاه‌های روستایی در کشور ایران مطابق "نمودار ۱" چهار سیاست درجاسازی، تجمیع، توسعه پیوسته و جابه‌جایی کل سکونتگاه، از سوی مسئولین بازسازی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.



۱. سیاست‌های بازسازی سکونتگاه‌های روستایی.

منبع: نگارندگان.

جابه‌جایی اجتماع انسانی می‌تواند کالبدی یا اقتصادی باشد. جابه‌جایی کالبدی، تغییر محل کالبدی مردم است که منجر به رها نمودن مکان استقرار و احتمالاً سرمایه‌های مولد یا دسترسی به سرمایه‌های مولد یا دوری از آنها می‌گردد اما جابه‌جایی اقتصادی، از اقدامی ناشی می‌شود که بدون جابه‌جایی کالبدی، دسترسی مردم به سرمایه‌های مولد را متوقف یا حذف می‌کند.

بانک جهانی برای پذیرفتن جابه‌جایی تعریف زیر را ارائه می‌دهد (IFC, 2002):

توسعه، به فقدان مشارکت مردم در فرایند طراحی و اجرای این طرح‌ها نسبت داده شد. توسعه بر مبنای مشارکت مردمی از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ به عنوان یک مفهوم کلیدی و به صورت گسترده‌ای در ادبیات توسعه مطرح شد. از شروع سال ۱۹۷۰ دولت‌های در حال توسعه به این مسئله واقف شده و توافق دارند که مشارکت در برنامه‌ریزی‌های توسعه ضروری است. براساس این نظریات، مردم حق دارند در امور توسعه و کنترل محیط خود و به دست آوردن رفاه بیشتر مشارکت داشته باشند (World Bank, 1994: 4). در سال‌های اخیر در معیارهای بازسازی و جابه‌جایی سکونتگاه، رویکردهای مهندسی و اقتصادی به رویکردهای اجتماعی و علوم انسانی تغییر یافته‌اند. رویکرد اجتماعی به جابه‌جایی سکونتگاه عمدتاً بر جنبه‌های «سازماندهی جامعه، مشارکت افراد در فرایند تصمیم‌گیری، توجه به نیازهای فردی و اجتماعی، حساس بودن مسئولان نسبت به پیش‌زمینه‌های فرهنگی و قومی افراد جابه‌جا شونده» توجه دارد و مشورت با مردم را مهم‌ترین عامل موفقیت در انتخاب مکان صحیح و طراحی مناسب سکونتگاه می‌داند (Fallahi, 1996). عدم آگاهی مردم از ماهیت، کارایی و اثربخشی پروژه‌ها، فقدان احساس نیاز به مردم، بی‌اعتمادی نسبت به مجریان و فقدان همکاری و مشارکت مردم در اجرا و نگهداری پروژه‌ها را می‌توان به عنوان مهم‌ترین و عمده‌ترین عوامل مؤثر در ناکامی پروژه‌های توسعه دانست. رهیافت مشارکتی مردم و مدیریت مشارکتی بازسازی در فرایند بازسازی نیازمند این است که مردم به گونه‌ای خودانگیخته و خودجوش، وارد روند بازسازی شده و در فرایند جابه‌جایی روستا حضور فعال داشته باشند. در رویکرد مشارکتی نقش مردم آسیب دیده در فرایند بازسازی و بازسازی از افرادی «درمانده و محکوم» و

نظاره‌گر به تدریج به «فعالان مشارکت کننده» در فرایند برنامه‌های پس از سانحه تغییر یافته است. تجارب نشان می‌دهند که انجام کلیه امور بازسازی توسط دولت و سازمان‌های امدادگر بدون در نظر داشتن مردم، موجب بالا رفتن سطح توقعات جامعه، نارضایتی آن‌ها و اعمال تغییرات کالبدی و در نتیجه افزایش میزان آسیب‌پذیری گردیده است. در مقابل در متون مختلف بارها تأکید شده است که مشارکت مردم در عملیات بازسازی موجب انطباق طرح‌ها و برنامه‌ها با نیازهای مردم، کاهش هزینه‌ها، پایداری برنامه‌ها، افزایش رضایت‌مندی و تسریع بازتوانی روستائیان می‌گردد (فلاحی، ۱۳۸۳). بنابراین در عرصه مشارکت، همکاری آزادانه و آگاهانه و نیز برنامه‌ریزی شده، اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عامل توسعه و توسعه پایدار^{۱۵} است. ابعاد مشارکت روستائیان در فرایند جابه‌جایی را می‌توان مشارکت روستائیان در تصمیم‌گیری برای جابه‌جایی و مکان‌یابی روستای جدید، مشارکت در طراحی و ساخت روستای جدید و همچنین مشارکت روستائیان در نظارت بر اجرای روستای جدید بر شمرد. تعاریف بسیاری از مفهوم مشارکت توسط نظریه‌پردازان مطرح شده است به منظور ارائه تعریفی از این مفهوم در حوزه بازسازی سکونتگاه‌های جدید و با توجه به ابعاد مشارکت روستائیان در فرایند جابه‌جایی روستاها، نمونه‌هایی از تعاریف صاحب‌نظران از مفهوم مشارکت در "جدول شماره ۱" ارائه گردیده است. در لغت‌نامه دهخدا، مشارکت از حیث لغوی به معنای شراکت، بهره‌برداری و انبازی کردن است این مفهوم بر وزن مفاعله به معنای کمک و یا شرکت مستقیم و غیرمستقیم و داوطلبانه افراد برای انجام یک فعالیت اجتماعی است و در فرهنگ انگلیسی آکسفورد «مشارکت» به معنای گُنش یا سهم داشتن است.

همان‌طور که در تعریف‌های فوق دیده می‌شود، تکیه‌گاه مفهومی هر یک از صاحب‌نظران از مشارکت تا حدی متفاوت است به گونه‌ای که در یک جمع‌بندی کلی از تعریف‌های فوق به همراه تلفیق با رویکردهای نوین‌تر به مشارکت، می‌توان این مفهوم را به صورت زیر تعریف نمود: «مشارکت فرآیندی است مبتنی بر خرد جمعی و دانش بومی^{۱۶} و فعالیتی است آگاهانه و داوطلبانه که با شرکت افراد ذینفع در همه ابعاد تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی، با هدف توانمندسازی آن‌ها همراه با کارایی بالاتر انجام می‌گیرد».

تعریف مشارکت	نظریه پرداز
فرآیندی است که طی آن گروه‌های ذینفع در جهت دادن به ابتکارات توسعه و تصمیم‌گیری‌ها و منابعی که در زندگی تأثیر دارد مداخله و نظارت دارند (World Bank, 1994).	بانک جهانی
ابزاری است برای رشد آگاهی‌های اجتماعی و تشویق پیشگامی در فعالیت‌های محلی به نحوی که ساختار تصمیم‌گیری محلی باید مداخله بومیان در موضوعاتی که مستقیماً با نیازهای آنان مرتبط است را تشویق و تسهیل نماید (دارابی، ۱۳۸۴: ۶۱).	سازمان ملل متحد
همکاری همراه با کنترل شهروندان و سهمین شدن در قدرت در فرآیند تهیه طرح‌ها چرا که توانمندسازی اجتماعات، هدف غایی مشارکت است (Sanoff, 2008: 8).	سانوف
یک فرآیند اجتماعی، عام، یکپارچه، چندجانبه، چند بُعدی و چند فرهنگی است که سعی می‌کند همه مردم را در مراحل توسعه مشارکت دهد (گائوتری، ۱۹۸۶: ۳۷).	گائوتری
مشارکت لزوماً فرآیندی است که تضمین می‌کند آنها که در یک تصمیم مهم منفعتی دارند در اتخاذ آن تصمیم نیز درگیر می‌شوند (Harrison & et al, 2001: 2).	هرسیون و همکاران
مشارکت را به معنای سهمین شدن فعال و سازماندهی اقشار جامعه به ویژه اقشار خاص آسیب پذیر جامعه در سطوح منطقه‌ای تعریف می‌کنند (اوکلی و مارسون، ۱۳۷۰: ۶۸).	اوکلی و مارسون
به معنای همکاری، نخستین رفتار اجتماعی است که از انسان سرزده می‌شود (شادی طلب، ۱۳۸۲: ۴۲).	شادی طلب
فرآیند سهمین شدن در تصمیمات اثرگذار بر زندگی شخصی و جامعه‌ای که او در آن زندگی می‌کند. مشارکت وسیله‌ای است که دموکراسی به وسیله آن ساخته می‌شود و نیز معیاری است که دموکراسی‌ها براساس آن باید سنجیده شوند (هارت، ۱۳۸۰: ۲۶).	هارت
فرآیندی است که مردم محلی را قادر می‌سازد تا تحلیل خود را انجام دهند، کنترل امور را به دست گیرند، اعتماد به نفس بیشتری کسب کنند و تصمیمات را خود اتخاذ کنند (چمبرز، ۱۳۷۸: ۱۲۰).	چمبرز
بازتوزیع قدرت که افراد را قادر به مداخله در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی می‌نماید که قبلاً فاقد آن بوده و عمدتاً تعیین کننده منافع آتی افراد است (Arnstein, 1969).	ارنشتاین
در مفهوم گسترده‌اش، برانگیختن حساسیت مردم و افزایش درک و توان آنان برای پاسخگویی به طرح‌های توسعه‌ای و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۳).	یومالل

ج ۱. تعاریف مشارکت. منبع: گرکانی، ۱۳۹۲.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه مفهوم مشارکت از دیدگاه صاحب نظران و مبانی ارائه شده از مشارکت مردم در بازسازی، در سطوح مختلف مشارکت روستائیان در جابه‌جایی سکونتگاه، می‌توان فرضیات زیر را ارائه نمود:

- بین مشارکت روستائیان در تصمیم‌گیری برای جابه‌جایی و اسکان ایشان در روستای جدید رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین مشارکت روستائیان در مکان‌یابی روستای جدید و اسکان ایشان در روستای جدید رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین مشارکت روستائیان در طراحی روستای جدید و اسکان ایشان در روستای جدید رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین مشارکت روستائیان در ساخت روستای جدید و اسکان ایشان در روستای جدید رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

وجود دارد.

- بین مشارکت روستائیان در نظارت بر اجرای روستای جدید و اسکان ایشان در روستای جدید رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

معرفی نمونه‌های مورد مطالعه

روستاهای مورد مطالعه از روستاهای جنوبی استان کرمان انتخاب شده‌اند روستای بند چاه‌رضا، چاه‌دادخدا، قاسم آباد و روستای شهید کرمی شاداب نمونه‌های مورد مطالعه این پژوهش می‌باشند که در جدول ۲ و تصویر ۱ برخی از مشخصات این روستاها معرفی شده است.

چگونگی توزیع حجم نمونه در روستاهای مورد مطالعه در "جدول ۳" ارائه شده است. در ذیل به ارائه توزیع فراوانی یکی از سؤالات پژوهش در گروه‌های مورد مطالعه می‌پردازیم "جدول ۴".

نام روستا	روستای بندچاه‌رضا	روستای چاه‌دادخدا	روستای قاسم‌آباد	روستای شهید کرمی شاداب
نام شهرستان	قلعه گنج	قلعه گنج	رودبار	کهنوج
تاریخ شروع بازسازی	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۸۲	سال ۱۳۷۹	سال ۱۳۷۸
علت جابه‌جایی	ساماندهی کپرنشینان	کمبود فضای توسعه	ساماندهی کپرنشینان	ساماندهی کپرنشینان
فاصله تا روستای قدیم	حدود ۷۰۰ متر	حدود ۱ کیلومتر	حدود ۳ کیلومتر	حدود ۴ کیلومتر
تعداد واحد احداثی	۱۰۹	۱۲۴	۱۵۸	۵۷
تعداد واحد ساکن	۷۰	۰	۵۸	۰
تعداد واحد خالی از سکنه	۳۹	۱۲۴	۱۰۰	۵۷
شغل ساکنین	کشاورزی	کارگری	کشاورز	کشاورز
خدمات زیربنایی	آب و برق	-	بخشی از روستا آب و برق دارد	-
تصویر روستا قبل از جابه‌جایی				
تصویر روستا بعد از جابه‌جایی				

ج ۲. معرفی روستاهای مورد مطالعه^{۱۷}

بعد از جابه‌جایی		قبل از جابه‌جایی
		
بتنی با دیوار برابر		کپر (نی و حصیر)
		اسکلت فلزی با اتصال پیچ و مهره‌ای کلاف

۱. گونه‌هایی از مسکن قبل و بعد از جابه‌جایی. منبع: نگارندگان.

نام روستا	روستای بندچاه‌رضا	روستای چاه‌دادخدا	روستای قاسم‌آباد	روستای شهید کرمی شاداب	جمع
تعداد نمونه	۳۷	۴۲	۵۲	۱۹	۱۵۰
درصد	(۲۵)	(۲۸)	(۳۵)	(۱۲)	(۱۰۰)

۳. چگونگی توزیع حجم نمونه.

مشارکت در مکان‌یابی	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		جمع کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
روستای بندچاه‌رضا	۱۱	(۳۰)	۱۰	(۲۶)	۵	(۱۴)	۸	(۲۲)	۳	(۸)	۳۷	(۱۰۰)
روستای چاه‌دادخدا	۸	(۱۹)	۲۰	(۴۷)	۹	(۲۲)	۵	(۱۲)	۰	(۰)	۴۲	(۱۰۰)
روستای شهید کرمی شاداب	۶	(۱۲)	۱۳	(۲۵)	۱۱	(۲۱)	۱۴	(۲۷)	۸	(۱۵)	۵۲	(۱۰۰)
روستای قاسم‌آباد	۵	(۲۶)	۳	(۱۶)	۲	(۱۱)	۴	(۲۱)	۵	(۲۶)	۱۹	(۱۰۰)

۴. توزیع فراوانی گروه‌های مورد مطالعه بر حسب مشارکت روستائیان در مکان‌یابی روستای جدید.

یافته‌ها

برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون t استفاده شده است و برای سنجش دقیق نرمال بودن داده‌ها، که از شرایط استفاده از آزمون t می باشد از آزمون کلموگروف اسمیرنف^{۱۸} که یک مورد از آزمون‌های ناپارامتریک محسوب می شود، استفاده گردیده است.

همانگونه که در "جدول ۵" مشخص می‌باشد فرضیه‌های این پژوهش مورد تأیید قرار گرفتند و می‌توان از مهمترین عوامل خالی از سکنه ماندن واحدهای احداثی در پروژه‌های جابه‌جایی روستاهای جنوب استان کرمان را عدم مشارکت روستائیان در مراحل مختلف تصمیم‌گیری، مکان‌یابی، طراحی، اجرا و نظارت دانست.

متغیر	آزمون t	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	نتیجه آزمون
مشارکت در تصمیم‌گیری	۳۰.۴۹۸	۰۰۰	۰/۸۵	تأیید فرضیه
مشارکت در مکان‌یابی	۲۹.۴۳۵	۰۰۰	۰/۸۳	تأیید فرضیه
مشارکت در طراحی	۲۹.۶۵۹	۰.۰۱	۰/۶۶	تأیید فرضیه
مشارکت در ساخت	۳۰.۹۴۰	۰.۰۱	۰/۸۴	تأیید فرضیه
مشارکت در نظارت بر اجرا	۲۸.۵۹۳	۰.۰۰۱	۰/۷۸	تأیید فرضیه

ج ۵. خلاصه یافته‌های تحقیق.

بین متغیر فاصله از روستای قدیم و میزان ارائه خدمات زیربنایی از جمله آب، برق، جاده و غیره با تعداد واحدهای خالی از سکنه نیز رابطه‌ای معنادار وجود دارد که با کمک ضریب همبستگی پیرسون رابطه آن‌ها را می‌توان به شرح ذیل تعریف نمود:

- رابطه بین فاصله تا روستای قدیم و تعداد واحدهای خالی از سکنه در روستای جدید: رابطه بین این دو متغیر به استفاده از ضریب همبستگی پیرسون تأیید می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که بین فاصله تا روستای قدیم و واحدهای خالی از سکنه در روستای جدید، ارتباط مستقیمی وجود دارد و میزان این همبستگی برابر

۰/۶۱ است.

- رابطه بین ارائه خدمات زیربنایی و تعداد واحدهای خالی از سکنه در روستای جدید: رابطه بین این دو متغیر به استفاده از ضریب همبستگی پیرسون تأیید می‌شود رابطه بین این دو متغیر در جهت عکس هم بوده، یعنی هر چه خدمات زیربنایی بیشتر باشد تعداد واحدهای احداثی خالی از سکنه کمتر خواهد بود. میزان این همبستگی معکوس ۰.۵۵- است.

برای رتبه‌بندی متغیرها و اولویت‌بندی آن‌ها در میزان تأثیرگذاری بر جابه‌جایی روستائیان از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج آن در "جدول ۶" آمده است.

رتبه	تعداد مشاهدات	متوسط رتبه‌ها	متغیر
۱	۱۵۰	۳.۹۴	مشارکت در تصمیم‌گیری
۲	۱۵۰	۳.۵۴	مشارکت در مکان‌یابی
۳	۱۵۰	۳.۳۴	مشارکت در طراحی
۴	۱۵۰	۲.۱۷	مشارکت در ساخت
۵	۱۵۰	۲.۰۱	مشارکت در نظارت بر اجرا

ج ۶. جدول رتبه‌بندی متغیرها، آزمون فریدمن.

پژوهش ضمن اشاره به تعاریفی از مشارکت از دیدگاه صاحب نظران، مشارکت را فرایندی تعریف نمود که مبتنی بر خرد جمعی و دانش بومی است و فعالیتی آگاهانه و داوطلبانه می باشد که با شرکت افراد ذینفع در همه ابعاد تصمیم گیری، برنامه ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی و با هدف توانمندسازی همراه با کارایی بالاتر انجام گیرد. از آنجا که هدف این نوشتار پی بردن به ارتباط مشارکت روستائیان با میزان استقبال ایشان از روستای جدید است در نمونه های مورد مطالعه ارتباط معناداری بین مشارکت روستائیان در زمینه های تصمیم گیری برای جابه جایی، مکان یابی، طراحی، ساخت و نظارت بر بازسازی و اسکان روستائیان در روستای جدید، وجود دارد از طرفی میزان فاصله روستای جدید از روستای قدیم با تعداد واحدهای خالی از سکنه، ارتباطی مستقیم و میزان خدمات ارائه شده در روستای جدید با تعداد واحدهای خالی از سکنه در روستای جدید، ارتباطی معکوس دارند. مشارکت روستائیان و انگیزه های ایجاد آن می بایست از نوع مشارکت درونزا^{۱۹} باشد.

مشارکت روستائیان در جابه جایی از عوامل تأثیرگذار بر جابه جایی و اسکان روستائیان است لذا می بایست از حداکثر مشارکت ایشان در فرایند جابه جایی بهره گرفت، با توجه به یافته های این تحقیق، موارد ذیل پیشنهاد می گردد:

- در زمینه طراحی روستای جدید معماری جمعی^{۲۰} که یکی از انواع معماری مشارکتی است، می تواند راهبردی برای طراحی روستاهایی باشد که می بایست از نو ساخته و یا جابه جا شوند.

- در تصمیم گیری برای جابه جایی، قدرت تصمیم گیری برای جابه جاشدن، در بین روستائیان توزیع گردد.

- مشارکت روستائیان و انگیزه های ایجاد آن

یافته های این پژوهش حاکی از عدم مشارکت روستائیان در مراحل مختلف جابه جایی روستاهای جابه جا شده جنوب استان کرمان است، که این امر یکی از دلایل عدم تکمیل واحدهای نیمه تمام و یا خالی از سکنه ماندن بخشی از واحدهای احدائی، در روستاهای جدید است. مطابق "جدول ۶"، مشارکت روستائیان در تصمیم گیری برای جابه جایی، و تغییر سیاست جابه جایی از نوع اجباری به جابه جایی مبتنی بر مشارکت و نظرخواهی از روستائیان، از مهمترین عوامل در موفقیت و یا شکست پروژه های جابه جایی و اسکان روستائیان در روستای جدید است، مطابق آزمون فریدمن مشارکت در مکان یابی، طراحی، ساخت و نظارت بر اجرای روستای جدید نیز به ترتیب اولویت، از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت پروژه های جابه جایی و اسکان روستائیان در روستای جدید می باشند.

نتیجه

حس تعلق به مکان جدید و رضایت مندی و بازتوانی روستائیان پس از جابه جایی حاصل برآیند مؤلفه های بسیاری است که از جمله می توان به تطبیق مکان و کالبد روستای جدید با خواسته ها و نیازهای ساکنین اشاره نمود. در رویکردهای متأخر، مشارکت روستائیان در فرایند برنامه های پس از سانحه از شروط موفقیت برنامه های بازسازی به شمار می رود. مشارکت مردم و مدیریت مشارکتی بازسازی در فرایند جابه جایی روستاها نیازمند این است که مردم به گونه ای خودانگیزخته و خودجوش وارد عرصه و روند بازسازی شده و در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری ها و به ویژه در اجرا و نهایتاً در مرحله ارزیابی و بازنگری، مستقیماً اقدام کرده و یا این که حداقل در برنامه ریزی ها و اقدامات صورت گرفته، حضور فعال داشته باشند. این

می‌بایست از نوع مشارکت درونزا بوده و مشارکتی باشد که حاصل کوشش و خوداتکایی روستائیان است و یا به عبارتی مشارکت مردم، برای مردم باشد.

پی نوشت

1. Relocation
2. Reconstruction
فعال کردن تمامی خدمات، ترمیم و دوباره‌سازی ساختارهای زیربنایی و سازه‌های تخریب شده، احیاء حیات اقتصادی و بازگرداندن فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را بازسازی تعریف می‌نمایند (Aysan & Davis, 1993: 48).

3. Disaster
۴. منبع آمار ارائه شده بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان کرمان می‌باشد ضمن آنکه تعداد واحدهای خالی از سکنه و احداثی در روستاهای مورد مطالعه توسط نگارندگان شمارش شده است.

۵. Cochran Test، حجم نمونه از فرمول زیر که بنام فرمول کوکران نام گذاری شده بدست آمده است:

$$n = \frac{N \cdot d^2 \cdot p(1-p)}{N \cdot d^2 + t^2 \cdot p(1-p)}$$

n = حجم نمونه، N = تعداد کل جامعه آماری، t^2 = مقدار t استیودنت، موقعی که سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر باشد، d^2 = تقریب در برآورد پارامتر جامعه، که برابر با ۲/۰۷، P = احتمال وجود صفت، $(1-P)$ = احتمال عدم صفت.

اگر چه حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۴۳ نفر می‌باشد لیکن به دلیل افزایش سطح اطمینان نتایج و کاهش خطای اندازه‌گیری این تعداد به ۱۵۰ نفر افزایش یافته است.

6. Likert Scale

در این پژوهش، طیف هر گویه دارای پنج گزینه است که شرح آن‌ها در زیر آمده است:

گزینه (خیلی زیاد) که به آن نمره ۵ داده شد.

گزینه (زیاد) که به آن نمره ۴ داده شد.

گزینه (متوسط) که به آن نمره ۳ داده شد.

گزینه (کم) که به آن نمره ۲ داده شد.

گزینه (خیلی کم) که به آن نمره ۱ داده شد.

در تمام مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از ۵ سطح استفاده شده است.

7. Cronbach,s Alpha
8. T-Test
9. Pearson,s correlation coefficient
10. Friedman Test
11. Hostile Relocation
12. Passive Relocation
13. Active Relocation
14. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR),
15. Sustainable Development

۱۶. دانش بومی ریشه در تجربه قرن‌های گذشته دارد و تا وقتی که جامعه پابرجاست، به‌عنوان پایه فرهنگی و فنی آن به تکامل خود ادامه می‌دهد دانش بومی دانشی است که مردم به آن اعتقاد دارند و آن‌را در طول زمان در جامعه خود توسعه و بهبود بخشیده‌اند. این دانش براساس تجربه است و غالباً در طول زمان آزمون می‌شود، با فرهنگ محلی و محیط زیست سازگار شده، بنابراین از پویایی و کارایی لازم برخوردار است (Penny, 2001) برای "دانش بومی" یا (IK) نام‌های دیگری مانند "دانش محلی"، "دانش فنی بومی"، و "دانش سنتی" وجود دارد.

۱۷. از آنجا که اطلاعات مربوط به این تحقیق در سال ۱۳۹۰ جمع آوری شده است داده‌های این جدول مربوط به آن سال می‌باشد.

18. Kolmogoroff - Smirnov Test

۱۹. جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به: ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی، (۱۳۸۷)، "توسعه پایدار روستایی"، اطلاعات، تهران، صص: ۲۱۹-۲۰۸.

۲۰. طراحی جمعی از سالهای ۱۹۹۰ به‌عنوان رویکردی در حوزه طراحی معرفی شده است رویکرد معماری جمعی در جستجوی برقراری پیوند میان گرایش‌های بوم‌گرایی با نیازهای مدرن جامعه امروز است (توکر، ۲۰۰۷) معماری جمعی سعی در تبدیل نمودن معماری به سمت یک عمل اخلاقی- انسانی بوده است و این مهم را از طریق توجه به ارزش‌ها و باورهای اجتماعی ویژه و مورد نظر خود جسته است (اسلامی و دیگران، ۱۳۸۸) در معماری جمعی استفاده از مصاحبه‌های تشخیصی، آزمون‌های پس از اسکان، نقشه‌های رفتاری و غیره بر روش‌هایی مانند پرسشنامه کارگروه مشارکتی و غیره که در معماری مشارکتی بیشتر مورد استفاده است ارجحیت دارد (کامل‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۲۸-۱۲۲) برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: (اسلامی، سید غلام رضا و دیگران، ۱۳۸۸).

فهرست منابع

- اسلامی، سید غلام رضا و دیگران (۱۳۸۸). "رویکرد طراحی جمعی در معماری"، نشریه هنرهای زیبا، صص: ۶۰-۴۷.
- ازکیبا، مصطفی و غلامرضا، غفاری (۱۳۸۰). بررسی بین رابطه اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی توسعه روستایی کاشان، تهران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، ص: ۱۳.
- اوکلی، پیترو و مارسدن، دیوید (۱۳۷۰). رهیافت‌های مشارکتی در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمود نجات حسینی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهادکشاورزی، ص: ۶۸.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۶). گزارش جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی در ایران، دفتر بازسازی.
- چمبرز، رابرت (۱۳۷۸). جابه‌جایی الگوها و شیوه کار پژوهش و توسعه مشارکتی، ترجمه عبدالرسول مرتضوی، گاهنامه روستا و توسعه. مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهادکشاورزی، شماره ۳ و ۴، سال سوم، ص: ۱۲۰.
- حقیقت‌نابینی، غلام رضا، اصل مشارکت مردمی، ارزیابی تجربه‌هایی از بازسازی شهرها پس از سوانح در ایران، سومین کنفرانس بین‌المللی بازسازی مناطق جنگ‌زده، تهران.
- دارابی، حسن (۱۳۸۴). "تبیین سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در پرتو مشارکت‌های مردمی: مورد سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان"، رساله دوره دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- دیویس، یان، آيسان، یاسمین (۱۳۸۵)، معماری و برنامه‌ریزی بازسازی، ترجمه علیرضا فلاحي، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- رازانی، رضا (۱۳۷۵). بررسی طرح بازسازی منطقه قیر و کارزین در جنوب استان فارس پس از زلزله ۱۰ فروردین ماه سال ۱۳۵۱، مجموعه مقالات سمینار استان فارس؛ زلزله، کاهش آسیب‌پذیری و الگوهای بازسازی.
- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، شهیدی: دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۷۲). بررسی زمینه‌های اجتماعی تجربه زلزله منجیل، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران.
- ظفری، حسین (۱۳۸۶). "بررسی مدیریت بازسازی فیزیکی با نگرش ویژه بر مشارکت مردم (مطالعه موردی بم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- علیزماني، محمد (۲۰۰۷). کنفرانس بین‌المللی سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) در زمینه مدیریت ریسک بلایای طبیعی، اسلام آباد پاکستان.
- فلاحي، علیرضا (۱۳۸۴). درآمدی بر مقولات اساسی بازسازی، نشریه صفا، شماره ۴۰.
- فلاحي، علیرضا (۱۳۸۳). توسعه پایدار، مجموعه مقالات کارگاه تخصصی تدوین منشور توسعه پایدار بم، انتشارات نشر انشاء.
- فلاحي، علیرضا و بختیاری، علی و ظفری، حسین (۱۳۸۶) ارزیابی اصول بازسازی در زلزله‌های گذشته ایران با هدف آموختن درس‌هایی برای آینده، پنجمین همایش بین‌المللی مهندسی زلزله و زلزله‌شناسی، پژوهشگاه مهندسی زلزله و زلزله‌شناسی ایران.
- کامل‌نیا، حامد (۱۳۸۷). معماری و الگوواره‌های طراحی جمعی: بررسی تطبیقی رویکرد معماری جمعی از منظر روانشناسی محیط، پایان‌نامه دکترای معماری، دانشگاه تهران.
- گائوتری، هوئین و دیگران (۱۳۷۹). مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرایی و داوود طباعی، تهران، نشر روش.
- گرکانی، امیرحسین (۱۳۹۲). ملاحظات بر طراحی خانه روستایی در بازسازی پس از سانحه، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دفتر مطالعات، گزارش آمار روستاهای جابه‌جا شده و در دست جابه‌جایی، ص: ۱۲.
- ویسی، رضا و همکاران (۱۳۸۵). درس‌هایی از مشارکت مردم در بازسازی واحدهای مسکونی و تجاری مناطق زلزله‌زده استان لرستان، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران در حوادث غیرمترقبه، تهران.
- هارت، راجرای (۱۳۸۰). مشارکت کودکان و نوجوانان: از پذیرش صوری تا شهروند واقعی، (فریده طاهری)، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- Arnstein, S (1969), "A ladder of Citizen Participation". Journal of the American Institute of Planner 35, 215-224

- Aysan. Y. Davis. Ian(1993) Rehabilitation and Reconstruction. UNDP, Disaster Management Training Programme.
- Aysan,Y.& Oliver,p,(1987) ,Housing and Cultural after Earthquake: A Guide For Future Policy Making on Housing in Seismic Area,oxford.
- Barakat, Sultan, 2003, Housing Reconstruction after Conflict and Disaster, HNP,The Humanitarian Practice Network, Number 43.
- Borda, F .O,(1988), “Knowledge and People power”. New Delhi, Indion Sosial Institiute.
- Falahi, A. (1994), Shelter Provision in Rural Areas of the 1990 Manjil Earthquake, in Islamic Republic of Iran, Proceeding of International Geographical Union Seminar, New Delhi, December “Frequently Asked Questions (FAQs)”, World Bank, 2005.
- Fallahi, Alireza.(1996). Post-Erthquake Reconstruction in Iran, A Study of Shelter Provision in Rural Areas of Gilan Province Following the 1990 Manjil Earthquake. PHD Thesis, Department of Architecture, University of Sydney.
- “Handbook for Preparing a Resettlement Action plan”, IFC, 2002.
- Harrison & et al (2001) wwf Preliminary Comment on Public Participation In the Context of the Water Framework Directive and Integrated River Basin Management Policy. Manchester University Press, p: 2.
- Horelli, L(2002), A Mthodology of Participatory Planning, in Bechtel B.,Churchman A., Handbook of Environmental Psychology, John Wiley & Sons, INC. New York,607-623.
- penny R, Anderson(2001),”Gender and Indigenou knowledge”, I k & Article,1-9.
- Sanoof, H.(2000), “Community Participation Methods in Design and Planning”. New York: john Wiley & Sons, p: 8.
- Toker,Z (2007), Recent Trends in Community Desing: The Eminence of Participation. Desing Studies, 24,PP 309-323.
- UNHCR.(1998). Review of the UNHCR Housing Programme in Bosnia and Herzegovina Inspection and Evaluation Service.
- Word Bank (1994), “the Word bank and Participation”, fourt draft, Wshaington: World Bank, p: